

پیش‌نویس «طرح جامع تحول علوم انسانی»

بی‌مقدمه

وقت بیشتر از آن گذشته است که جایی برای بیان مقدمه باقی‌مانده باشد. تحول در علوم انسانی و ضرورت آن دیگر مقدمه نمی‌خواهد؛ روشن و بدیهی شده است. این همه مشکلات و مسائل اجتماعی که در سال‌های اخیر به مرز آشفتگی و به حد آستانه خود رسیده است، دولت‌هایی که یکی پس از دیگری آمدند و از پس رفع چالش‌های کلان بر نیامدند، همه گواه ریشه‌دار بودن مسائل است. چالش‌ها دیگر روبنایی نیست و با چند آئین‌نامه و دستورالعمل حل نمی‌شود. بحث از تحول در علوم انسانی دیگر مقدمه لازم ندارد. وقتی هم برای نوشتن و خواندن مقدمه نداریم.

ضرورت تحول در علوم انسانی



علوم انسانی با زیست بشر کار دارد؛ چه به صورت فردی و چه به صورت اجتماعی. از همین رو تمامی ابعاد زندگی او را در بر می‌گیرد و تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر گذشته انسان «شامپانزه» باشد و آینده‌اش «فسیل»، این انسان با چنین زیستی به علمی نیاز دارد تا لحظه به لحظه او را در فراموشی از گذشته و آینده نگه دارد؛ چه که تا به یاد گذشته بیافتد «تحقیر» می‌شود و تا یاد آینده بیافتد «ناامید». یا باید مثل شخصیت‌های بزرگ و مشهور غربی؛ فوکو، نیچه، فروید، تورینگ، رایبن ویلیامز، مرلین مونرو، ونگوگ، همینگوی و بسیاری دیگر «خودکشی» کند، یا علوم انسانی بیاید و برای سرگرم کردن او برنامه‌ریزی نماید و به زندگی‌اش رنگ و بو ببخشد. این انسان جور دیگری شناخته می‌شود و برنامه زندگی او نیز باید متفاوت باشد.

اما انسانی که گذشته‌اش «آدم» بوده؛ دانا به تمامی اُسماء، برتر از فرشتگان و آینده‌اش زندگی جاودانه در «باغ‌های بهشت»، آیا این هم به علوم انسانی‌ای نیاز دارد تا او را پیوسته به غفلت و بی‌خبری سوق دهد و گذشته و آینده را فراموشش نماید؟! آیا نیازهای زیستی او با انسان نوع اول یکی‌ست و فرق ندارد؟!

گستره علوم انسانی

برخلاف علوم تجربی که از روش‌های عمدتاً مبتنی بر تجربه و آزمون استفاده می‌کنند، علوم انسانی متکی به تحلیل، نقد و نظریه‌پردازی هستند. این علوم به جنبه‌های مرتبط با ویژگی‌های تمدنی، جامعه‌ای، فرهنگی، تاریخی، ادبی و جغرافیایی انسان می‌پردازند. پژوهشگاه علوم انسانی این علوم را به شرح ذیل طبقه‌بندی کرده است:

- | | | |
|---------------|-----------------------------|------------------|
| ۱. ادبیات | ۷. روانشناسی | ۱۳. علوم سیاسی |
| ۲. اقتصاد | ۸. زبان‌شناسی | ۱۴. فلسفه و منطق |
| ۳. تاریخ | ۹. علم اطلاعات و دانش‌شناسی | ۱۵. مدیریت |
| ۴. تربیت بدنی | ۱۰. علوم اجتماعی | ۱۶. مطالعات زنان |
| ۵. جغرافیا | ۱۱. علوم اسلامی | ۱۷. هنر و معماری |
| ۶. حقوق | ۱۲. علوم تربیتی | |

تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری



۱. یک دهه پیش مقام معظم رهبری درباره ضرورت تحول در علوم انسانی فرمودند: «ما بایستی در علوم انسانی اجتهاد کنیم؛ نباید مقلد باشیم ... حرف من این است که در باب علوم انسانی کار عمیق انجام بگیرد و صاحبان فکر و اندیشه در این زمینه‌ها کار کنند ... مبانی علوم انسانی در غرب از تفکرات مادی سرچشمه میگیرد. هر کس که تاریخ رنسانس را خوانده باشد، دانسته باشد، آدمهایش را شناخته باشد، این را کاملاً تشخیص می‌دهد» (۱۳۹۰/۵/۱۹)
۲. و همچنین در یک سخنرانی دیگر: «همه‌ی دانشها، همه‌ی تحرکات برتر در یک جامعه، مثل یک کالبد است که روح آن، علوم انسانی است. علوم انسانی جهت میدهد، مشخص می‌کند که ما کدام طرف داریم می‌رویم، دانش ما دنبال چیست. وقتی علوم انسانی منحرف شد و بر پایه‌های غلط و جهان‌بینی‌های غلط استوار شد، نتیجه این میشود که همه‌ی تحرکات جامعه به سمت یک گرایش انحرافی پیش میرود.» (۱۳۹۰/۷/۱۳)
۳. و سال بعد: «علوم انسانی هوای تنفسی مجموعه‌های نخبه کشور است که هدایت جامعه را بر عهده دارند بنابراین آلوده یا پاک بودن این هوای تنفسی بسیار تعیین کننده است ... اصلاح در علوم انسانی و تحول در سینما و تلویزیون بدون اصلاح پایه‌های معرفتی علوم انسانی غربی امکانپذیر نیست و اصلاح این پایه‌ها نیز در گرو ارتباط مؤثر با حوزه‌های علمیه و علمای دین است.» (۱۳۹۱/۱۲/۱)
۴. و سال بعد هم: «به نظر بنده اساسی‌ترین کار هم این است که مبنای علمی و فلسفی تحول علوم انسانی باید تدوین بشود؛ این کار اساسی و کار اوکی است که بایستی انجام بگیرد.» (۱۳۹۲/۹/۱۹)
۵. و سال بعدتر: «مبنای علوم انسانی غربی، مبنای غیرالهی است، مبنای مادی است، مبنای غیر توحیدی است؛ این با مبانی اسلامی سازگار نیست، با مبانی دینی سازگار نیست. علوم انسانی آن‌وقتی صحیح و مفید و تربیت‌کننده‌ی صحیح انسان خواهد بود و به فرد و جامعه نفع خواهد رساند که براساس تفکر الهی و جهان‌بینی الهی باشد؛ این امروز در دانشهای علوم انسانی در وضع کنونی وجود ندارد؛ روی این بایستی کار کرد، فکر کرد. البته این کار، کار شتاب‌آلودی نیست - کار بلندمدتی است.» (۱۳۹۳/۴/۱۱)
۶. سال بعد: «تحول در علوم انسانی که به دلایل بسیار یک امر لازم و ضروری است، نیاز دارد به جوششی از درون و حمایتی از بیرون. خوشبختانه جوشش از درون امروز هست ... حمایت از بیرون هم باید وجود داشته باشد.» (۱۳۹۴/۴/۱۳)
۷. مجدداً تأکید در سال بعد: «هم فقه ما، هم جامعه‌شناسی ما، هم علوم انسانی ما، هم سیاست ما، هم روشهای گوناگون ما باید روزبه‌روز بهتر بشود، منتها به دست آدمهای خبره، به دست آدمهای وارد، به دست انسانهای اهل تعمق و کسانی که اهلیت ایجاد راه‌های نو را دارند؛ نیمه‌سوادها و آدمهای ناوارد و مدعی نمیتوانند کاری انجام بدهند» (۱۳۹۵/۳/۱۴)
۸. یک‌سال پس از آن نیز فرمودند: «ما حالا می‌خواهیم وارد بشویم و این مسائل را از آن ریشه‌ی به اصطلاح غیر دینی یا بعضاً ضد دینی آن جدا کنیم و به یک منشأ قرآنی و یک منشأ دینی و وحیانی متصل کنیم. خب این خیلی مهم است؛ این یک تسلط اساسی بر کارهای دیگران لازم دارد؛ ما باید بدانیم که دیگران در این زمینه‌ها چه کرده‌اند.» (۱۳۹۶/۳/۱)
۹. سال بعد با عتابی شدیدتر: «چرا در زمینه‌ی علوم انسانی وقتی گفته میشود که بنشینیم فکر کنیم و علوم انسانی اسلامی

را پیدا کنیم، یک عده‌ای فوراً برمی‌آشوبند که «آقا! علم است؟» علم است؟ در علوم تجربی که علم بودنش و نتایجش قابل آزمایش در آزمایشگاه است، این همه غلط بودن یافته‌های علمی روزبه‌روز دارد اثبات میشود، آن وقت شما در علوم انسانی توقع دارید [غلط نباشد]؟ در اقتصاد چقدر حرفهای متعارض و متضاد وجود دارد! در مدیریت، در مسائل گوناگون علوم انسانی، در فلسفه، این همه حرفهای متعارض وجود دارد؛ کدام علم؟ علم آن چیزی است که شما به آن دست پیدا کنید، بتوانید بفهمید آن را، از درون ذهن فعال شما تراوش بکند. باید دنبال این باشیم که ما تولید علم بکنیم؛ تا کی مصرف کنیم علم این‌و آن را؟» (۱۳۹۷/۳/۲۰)

جامعیت طرح

تلاش‌های گذشته

پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیاری از اندیشمندان حوزه و دانشگاه متوجه آسیب‌هایی شدند که می‌توانست جامعه اسلامی را از سوی علوم انسانی غیراسلامی تهدید کند. فهمیدند: «علوم انسانی از آن رو که مستقیماً با نیازهای انسان و مدیریت زندگی او ارتباط دارند اگر با مبانی اسلامی سازگار نباشند و در جهت تعالی انسان تنظیم نشده باشند، پیوسته او را به سوی دنیاپرستی و دوری از بندگی خدای متعال سوق می‌دهند». این توجه سبب شد تا مراکز پژوهشی و آموزشی فراوانی برای فعالیت در این عرصه تأسیس شود. اما هدفی که مورد انتظار بود محقق نشد.

پژوهشگاه علوم انسانی



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی یک پژوهشگاه ملی دولتی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران است. مأموریت این پژوهشگاه، مطالعه و تحقیق در حوزه علوم انسانی و علوم فرهنگی است. این پژوهشگاه متشکل از سیزده پژوهشکده، چهار مرکز پژوهشی و دو گروه پژوهشی مستقل در حوزه‌های علوم سیاسی، تاریخ، ادبیات، فلسفه، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اخلاق، ارتباطات، مطالعات اسلامی و قرآنی، دانش‌نامه‌نگاری، مطالعات فرهنگی و میان‌فرهنگی، اقتصاد، مدیریت، نوآوری، فناوری و رویکردهای انتقادی به علوم انسانی است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی در کشور ایران و خاورمیانه است. پس از انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۶۰، بنیاد فرهنگ ایران و یازده مؤسسه علمی، فرهنگی و پژوهشی دیگر با یکدیگر ادغام شدند و نهادی با عنوان «مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی» وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی وقت تشکیل شد. در سال ۱۳۷۳ شورای عالی پژوهشگاه به منظور تأکید بر گرایش علوم انسانی و مسائل فرهنگی در تحقیقات پژوهشگاه، عنوان «پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» را برای این نهاد پیشنهاد کرد که مورد تصویب شورای گسترش آموزش عالی قرار گرفت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۶۱ با نام اولیه «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» و به منظور اجرای طرح مقدماتی «بازسازی علوم انسانی» تأسیس شد. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم این طرح را در پی درخواست ستاد انقلاب فرهنگی تهیه کرد و پس از تصویب ستاد، طرح به تأیید حضرت امام (ره) رسید. در سال ۱۳۶۹ و در پی یک دوره فعالیت «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» رسماً به عنوان یکی از نهادهای همکار با «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها» (سمت) درآمد. در سال ۱۳۷۷ پس از ۹ سال همکاری نزدیک با سازمان سمت، در پژوهش و تولید کتابها و آثار علمی،

با تصویب شورای گسترش آموزش عالی با نام «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» و به عنوان یکی از مراکز آموزش عالی پژوهشی کشور، به جمع مؤسسات زیرمجموعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پیوست. در سال ۱۳۸۲ نیز، پس از یک دوره کوتاه «پژوهشکده» به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سپس در سال ۱۳۸۳ نیز به پژوهشگاه ارتقاء یافت.

دانشگاه مفید



دانشگاه مفید دانشگاهی غیردولتی - غیرانتفاعی در حوزه علوم انسانی است که در سال ۱۳۶۸ توسط آیه الله موسوی اردبیلی در شهر قم تأسیس شد. دانشگاه مفید دانشگاهی در زمینه علوم انسانی با روش و نگرش جدید حوزوی-دانشگاهی است که در اوایل بنیانگذاری به دارالعلم مفید مشهور بود. اساسنامه این دانشگاه در سال ۱۳۶۷ تهیه و به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. طبق ماده یک اساسنامه هدف این دانشگاه این طور بیان شده است: «مطالعه و تحقیق در علوم و معارف اسلامی و بازنگری در علوم انسانی بر اساس مبانی و موازین اسلامی».

دانشگاه امام صادق (ع)



دانشگاه امام صادق یک دانشگاه اسلامی در تهران است. هدف این دانشگاه که در سال ۱۳۶۱ تأسیس شده، پر کردن شکاف بین تحقیقات اسلامی و مطالعات مدرن به ویژه علوم انسانی است. سیستم آموزشی این دانشگاه، ترکیبی از علوم حوزوی و علوم جدید است. هدف از تأسیس این دانشگاه، آموزش نیروی انسانی با توانایی علمی در یکی از رشته‌های دانشگاهی همراه و همسو با دانش دینی برای مدیریت در سمت‌های کلیدی و اصلی جمهوری اسلامی اعلام شده است. هدف از تأسیس دانشگاه امام صادق، فراهم آوردن محیطی به منظور تحقیق حول علوم اجتماعی و انسانی با توجه به مبانی اسلامی و در کنار آن تربیت اشخاص متخصص

و متعهد به جمهوری اسلامی برای حل مسائل مبتلا به کشور پس از انقلاب ۱۳۵۷ بود. پس از ملاقات مسئولین، استادان و دانشجویان دانشگاه با رهبر جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۴ و تأکید وی بر این که وظیفه این دانشگاه تولید علم است، اهداف دانشگاه تغییر محسوسی کرد، تا جایی که شعار «تربیت اسلامی و مرجعیت علمی» به عنوان شعار دانشگاه انتخاب شد. در سال ۱۳۹۳، این شعار به شعار کوتاه‌تر «دانشگاه اسلامی مرجع» تغییر کرد.

مؤسسه امام خمینی (ره)



مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (تأسیس ۱۳۷۴ش) از مراکز علمی و پژوهشی در قم که زیر نظر شورای عالی حوزه‌های علمیه قرار دارد و فعالیت آن، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است. هدف کلی آن، تربیت طلاب در کنار دروس حوزوی، برای تحقیق، تدوین و تبیین معارف اسلامی است. فعالیت‌های آموزشی مؤسسه در مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته‌های مختلف است. اهدافی که طبق اساسنامه مؤسسه برای تشکیل آن نوشته شده، عبارتند از: به‌کارگیری معارف اسلام در زمینه‌های مختلف علوم انسانی، آشناساختن طلاب با مبانی اعتقادی و معارف اسلامی و علوم انسانی، تربیت متخصصان برای مقابله با اندیشه‌های انحرافی و التقاطی، پرورش پژوهشگران در حوزه‌های مختلف علوم انسانی.



فرهنگستان علوم اسلامی

فرهنگستان علوم اسلامی قم از سال ۱۳۵۹ در پی یافتن ملازمات وعده انقلاب اسلامی نسبت به «اسلام در عمل» بوده است و جامعه و تمدن اسلامی را مورد مطالعه عمیق قرار داده تا برای توفیق هر چه بیشتر انقلاب اسلامی ایران، به دنبال یافتن راهکارهای مؤثر باشد؛ محور فعالیت فرهنگستان علوم اسلامی قم یافتن «نرم افزار اداره» دولت و جامعه انقلابی در مسیر جامعه پردازی و تمدن سازی اسلامی است. انقلاب اسلامی باید بتواند به عرصه فرهنگ و به ویژه فرهنگ تخصصی و بنیادی صادر شود، یا به تعبیر معهود در ادبیات انقلابی، انقلاب فرهنگی نیز علاوه بر انقلاب سیاسی در محیط تحت قیمومیت جمهوری اسلامی رخ دهد. اسلامیت نظام و جریان اسلام در عمل، تنها از بُعد فرهنگی جامعه و اجزاء و ارکان آن قابل استمرار است؛ وگرنه با دستیابی صرف به قدرت و دولت و اقتدار سیاسی و نظامی، استمرار اسلامیت نظام تضمین نخواهد شد؛ زیرا لایه فرهنگ جامعه می تواند همه اقتدارها را به ضد خود تبدیل کند و با اسم اسلام و تو خالی کردن آن از محتوا، ضد اسلام را توسعه دهد؛ بنابراین دفتر فرهنگستان علوم اسلامی مأموریت اصلی و محوری خود را پیگیری تحقق انقلاب فرهنگی از طریق تلاش برای ارتقاء دستگاه سنجش و محاسبه علمی و کارشناسی و اجرایی در جامعه اسلامی، به منظور افزایش سطح حجیت مفاهیم و تصمیم سازی ها و تصمیم گیری های نظام اسلامی، قرار داده است.

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی



پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

در پرتو پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، بار دیگر دین و معرفت دینی به عنوان فکر و فرهنگ مرقی و نجات بخش آدمی ظاهر شد. بایستگی تحقیقات دقیق و منسجم، نظریه پردازی و نوآوری پیرامون زیرساخت های اندیشه های دینی و نظامات اجتماعی مبنی بر آن، تأسیس نهاد علمی - پژوهشی و آموزشی، دانشگاهی و حوزوی محض و کارآمدی را فرض می نمود. بر این اساس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه های اسلامی به عنوان یک نهاد علمی - فکری حسب الامر و بر اساس نظر رهبر فرهیخته ای انقلاب اسلامی آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) و با تلاش های فراوان آیت الله علی اکبر رشاد، در سال ۱۳۷۳ تأسیس شده است. یکی از اهداف پژوهشگاه «مطالعه ای مقایسه ای (تطبیقی) و نقد فعال، مبتکرانه و روشمند مکاتب و نظریه های معارض و رقیب در قلمرو حکمت و اندیشه های دینی، فرهنگ و علوم انسانی اسلامی» ذکر شده است.

دلیل شکست

همه این ها شکست خوردند. با هم تعارف نکنیم. وقتی یک نهاد به هدفی که تعیین کرده است، در زمانی متعارف، زمانی که انتظار می رفته، دست نیابد، این یعنی شکست خورده است. اگر چه در مراحل بعد ناگزیر شود اهداف خود را تغییر دهد یا تعدیل کند. همه این نهادها کارکرد خود را متعادل ساخته اند؛ آموزش می دهند، کتاب و مقاله می نویسند، از پایان نامه ها حمایت می کنند، سربازنخبه می گیرند، نشریات مفصلی چاپ می کنند، اما دیگر آن کاری را که برای آن تأسیس شده بودند را پیگیری نمی کنند؛ این که علوم انسانی اسلامی را تولید کنند.

هر کدام از این نهادها و البته چه بسا بسیاری نهادهای پژوهشی دیگر که در دهه های اخیر تأسیس شده، صدها و بلکه هزاران کتاب و مقاله منتشر کرده اند درباره علوم انسانی مختلف؛ اقتصاد و مدیریت و روانشناسی و جامعه شناسی و فقه سیاسی، اما چه سود، وقتی همه شان در بایگانی این مؤسسات نگهداری می شود و نسخه های موجود در بازار نیز

مورد ارجاع مدیران کشور قرار نگرفته و نمی‌گیرد. حقیقتاً بسیاری از این نوشته‌ها نیز عالمانه و دقیق است و راهکارهای جذاب و قابل توجهی در آن‌ها پیدا می‌شود، اما می‌بینیم که هرگز به کار گرفته نمی‌شود، تا ۴۵ سال از انقلاب بگذرد و بی‌عدالتی‌ها که نتیجه قهری به‌کارگیری علوم انسانی غربی است؛ خصوصاً اقتصاد سرمایه‌داری، اعتراضات مردمی را به حد آستانه خود نزدیک سازد. همه این مؤسّسات «نرمال» شده و در روش مدیریت رایج ذوب گردیده‌اند.

نه فقط این مؤسّسات که بسیاری اندیشمندان آزاد و مستقل بوده‌اند؛ دکتر حسین باهر، دکتر درخشان، دکتر زاهدانی، دکتر فواد کریمی، دکتر شرفی، دکتر اورعی، دکتر حجازی، دکتر ابوالحسنی و بسیاری دیگر که در علم اقتصاد، مدیریت، روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی در دهه نخست انقلاب به شهر قم رفته و درباره نظریات اسلامی در این علوم صحبت می‌کردند. نوارهای جلسات علمی این اساتید در بایگانی صوتی دفتر تبلیغات اسلامی (<http://shiadars.ir>) حوزه علمیه قم موجود است، اگر چه دیگر نامی شاید از آن‌ها در نظام علمی کشور نباشد و از یاد رفته باشند. بعضی نظریات علمی نوآورانه که در این جلسات ارائه شده، همین امروز هم تازگی دارند و مخاطب را به شگفتی می‌آورند.



دلیل شکست «عدم جامعیت راهکار» است. نظام اجتماعی یک سیستم است. سیستم مثل یک سینی بزرگ است. قدیم می‌گفتند: «مَجْمَع». وسط آن، دقیقاً در نقطه وسط روی میله‌ای تیز استوار شده. مثل ترازو. از همه طرف تعادل می‌خواهد. یک لیوان را یک طرف بگذاری، سوی دیگر بالا می‌آید و به سمت سقوط می‌رود. برداری هم. اگر تغییری لازم باشد، ناچاری چند وسیله را با هم اضافه کنی یا با هم کم. تا تعادل را حفظ کنی. جامعه تعادل می‌خواهد.

نمی‌شود امروز بگوییم «افزایش صادرات غیرنفتی» مسأله اصلی است، بعد وقتی همه پسته‌ها و گردوها و گوجه‌فرنگی‌ها و پرتقال‌ها و سیب‌ها و پیازها صادر شد، عرضه داخلی که پایین آمد، تقاضا که تغییر نکرده، پس قیمت گران می‌شود، مردم که معترض شدند، دستور بدهیم به «واردات اقلام اساسی توسط وزارت بازرگانی» و پرتقال وارد کنیم تا قیمت فوری و ضربتی پایین بیاید. این نمی‌شود. این بر هم زدن تعادل است. چرا؟! زیرا تا در این طرف سینی تولید داخل را افزایش نداده‌ای و فرهنگ مصرف را به سمت کاهش تقاضا سوق نداده‌ای، نمی‌توانی در آن‌سوی سینی ناگهان مشوق‌های قوی برای افزایش صادرات وضع کنی و تعرفه‌ها را کاهش دهی، زیرا سینی چپه می‌شود و مجبور می‌شوی ضربتی چیزی این‌طرف قرار دهی تا دوباره به وضعیت تعادل بازگردی!

در این‌جا دیگر «بخشی» کار پیش نمی‌رود. یک طرح کلان می‌خواهد. «مدل‌سازی» لازم است. عناصر محوری شناسایی می‌شود و روابط آن‌ها بررسی، با طرحی جدید. قوانین که تغییر کند و ساختار درست شود، اهداف حاصل می‌شود و علوم انسانی از افسارگسیختگی خارج شده، مهار می‌گردد.

نمونه موفق

مواردی از موفقیت‌های اجتماعی، موفقیت‌های بزرگ و تأثیرگذار در سابقه نظام اسلامی دیده می‌شود، مواردی که طرح «جامع» بوده و «جامع» اجرا شده و تأثیر هم به صورت «جامع»، مثل: طرح کاهش جمعیت و فرزندآوری.

۱. آموزش و پرورش: در کتاب پنجم دبستان و دوره راهنمایی، کتاب مدنی؛ مشتمل بر تاریخ و جغرافیا و اجتماعی، نظریه رشد مالتوس را ذکر کردند. این‌که رشد منابع غذایی مبتنی بر تصاعد حسابی است، ولی رشد جمعیت تصاعد هندسی. اگر رشد جمعیت را کنترل نکنیم به زودی غذا برای خوردن نداریم، آموزش به نوجوانان ۱۲ ساله!

۲. آموزش عالی: در تمام رشته‌های دانشگاه درس تنظیم خانواده را اجباری کردند که موضوع آن کاهش جمعیت و جلوگیری از فرزندآوری بود. آن‌قدر مُفَصَّل که متقاعد نماید و جایی برای مخالفت و انهد.

۳. **صداسیما:** شب و روز و در تمام برنامه‌ها و جنگ‌ها و طنزها و هر چه تولیدات رسانه‌ای، مسخره کردن خانواده‌های پرجمعیت و حمایت از خانواده‌های دارای فقط دو فرزند! سریال ساختند برای همین منظور. هزینه کردند یعنی.



۴. **خانه‌های بهداشت:** وزارت علوم موظف شد محله به محله ساختمان‌هایی را اجاره کند یا بخرد، نیروهایی را فعال سازد، تا فهرست تمام زنان محل را استخراج کرده و همه را تحت پوشش بگیرند. هدف هم توجیه و فرهنگ‌سازی برای کاهش جمعیت.

۵. **توزیع رایگان تجهیزات جلوگیری از بارداری:** نه فقط توزیع که کارخانه

هم زدند. قبلاً کارخانه تولید کاندوم در کشور نبود، کارخانه‌اش را حمایت کردند و ساختند. خانه‌های بهداشت قرص‌های جلوگیری از بارداری که از خارج وارد می‌شد و کاندوم‌ها را جعبه جعبه به رایگان توزیع می‌کردند. هر خانم ماهی یک سهمیه رایگان داشت که با مراجعه به خانه بهداشت دریافت می‌کرد. با فرهنگی که ضرب‌المثل آن این باشد: «مفت باشد کوفت باشد!» چه کسی از دریافت این هدایای رایگان خودداری می‌کند؟!

۶. **اجبار بر غربال‌گری و نظارت دائمی:** گفتند بارداری خطرناک است. سن بارداری را از این طرف بالا بردند و از آن طرف پایین آوردند؛ فقط بین ۲۵ تا ۳۵ سال برای بارداری مناسب است. قبل و بعد آن خطرناک است و بچه فلان می‌شود و مادر فلان. ضوابطی هم تعیین کردند که زن از لحظه بارداری باید پیوسته مراجعه داشته باشد و سونوگرافی شود و معاینه. اساساً بارداری را کردند یک پروژه پیچیده و مشکل که سمت آن رفتن خیلی جرأت بخواهد، مشتمل بر ریسک‌های پرخطر.

۷. **آموزش‌های اجباری پای عقدنامه:** ثبت ازدواج در محضر را مشروط کردند که باید آزمایش‌هایی انجام شود، هم برای پسر و هم دختر. در کنار این آزمایش، یک ساعت کلاس اجباری گذاشتند برای آموزش استفاده از ابزارهای جلوگیری از بارداری، همه تجهیزات روز دنیا. دخترها در یک کلاس، پسرها در یک کلاس، تمام ابزارها را می‌آوردند و آموزش می‌دادند. تصور کنید در هر شهری، چقدر ساختمان و هزینه، چقدر نیروی انسانی، چقدر کلاس هر روز، با بودجه کشور، در مسیر این طرح جامع!



۸. **مشاوره‌های رایگان:** سازمان‌های بهزیستی و دانشگاه‌های علوم پزشکی و کلیه نهادهای دیگر را فعال کردند تا به صورت حضوری یا تلفنی مشاوره ارائه کنند، تا فردی هم اگر مردد مانده در این جلسات مشاوره بپذیرد که دو بچه کافی است!

۹. **عقیم‌سازی رایگان:** دو عمل جراحی وازکتومی و توبکتومی که قطعاً هزینه دارد، به صورت کاملاً رایگان درآمد. تمام شهرهای کشور، پر از درمانگاه‌هایی که با حمایت دولت بدون هزینه این دو جراحی را انجام می‌دادند. یکی عقیم‌سازی مردان و دیگری عقیم‌سازی زنان.



۱۰. **دیوارنویسی‌ها، کالانویسی‌ها و تبلیغات محیطی:** هزینه یک تابلوی تبلیغاتی چقدر است؟ تابلوهایی که در مسیر راه‌ها و جاده‌ها و روی دیوارهای بزرگ و در محوطه‌های باز است. همه آن‌ها پر شد از شعارهایی که دو فرزند را کافی می‌دانست. نه یک روز و دو روز، سال‌ها و سال‌ها این آگهی‌ها تجدید و بازنویسی می‌شد. حتی روی بسته کالاها، محصولات که کارخانه‌ها تولید می‌کردند، هر کدام یک نوشته ریز داشت: «فرزند کمتر = زندگی بهتر»

۱۱. **توزیع بروشورها:** حجم زیادی بروشور و جزوه‌های آموزشی و تبلیغی تولید و توزیع شد. درب خانه‌ها، در نمایشگاه‌ها، در خیابان، در مدارس، هر جا که می‌شد مردم را تحت تأثیر قرار داد.

۱۲. **برگزاری جلسات هماهنگ‌سازی مدیران:** عجیب نیست که هیچ‌کدام از مسئولین با این طرح جامع مخالفت نکرد؟ در

هیچ کدام از قوای کشور؟! روشن است که جلسات فراوانی برگزار شده و گروه گروه از مدیران در قوه‌های مختلف کشور توجیه شده‌اند.

۱۳. انتشار کتاب‌ها و مقالات مرتبط: از نگارش و انتشار و چاپ کتاب‌های مرتبط حمایت شد. مقاله‌هایی که در این موضوعات نوشته می‌شد با اولویت مورد پذیرش قرار گرفته و در نشریات چاپ می‌گردید.

۱۴. تداوم و استمرار: نه فقط یک روز یا دو روز، بلکه حدود بیست سال مستمراً ادامه داشت. هر سال بودجه اختصاص داده شد، نهادها سر خط شدند، مجلس قانون گذاشت و وزارتخانه‌ها اقدام کردند.

البته که چنین طرح جامعی باید به موفقیت هم دست می‌یافت، حق داشت دست یابد. نتیجه طرح این شد: «سیاست «تنظیم خانواده» از سال ۱۳۶۸ از جمله سیاست‌های تنظیم خانواده در ایران است. از دست‌آوردهای سیاست‌های تنظیم خانواده، افزایش نرخ رواج پیشگیری از بارداری از ۳۷ درصد در سال ۱۳۵۵ (پیش از انقلاب) به ۷۵ درصد در سال ۱۳۷۹ می‌باشد. دکتر مرندي وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایران به این خاطر که تقریباً با دست تنها سیاست جمعیتی ایران را عوض کرد در سال ۱۳۷۸ جایزه جمعیت صندوق جمعیت سازمان ملل متحد را مشترکاً با کمیته تنظیم خانواده و جمعیت ویتنام برنده شد. در جریان تنظیم خانواده با بودجه دولت، اندازه میانگین خانواده از نزدیک به هفت فرزند در دهه ۶۰ به کمتر از دو فرزند در سال ۱۳۸۲ کاهش یافت.»

ابعاد طرح تحول در علوم انسانی

فعالیت‌های اجتماعی و تغییرات و تحولاتی که در جامعه پدید می‌آیند چنین وضعیتی دارند؛ نیاز به جامعیت. تمام فعالیت‌های مورد نیاز را می‌توان در سه دسته قرار داد.

قانع کردن مسئولین

مسئولین در رده‌های مختلف: قانون‌گذاری، اجرایی و مدیریتی، برنامه‌ریزی، حقوقی، قضایی و امنیتی، همه باید در مسیر طرح توجیه شوند. آن را بشناسند و اهداف آن را بدانند. لازم است «قبول» کنند که این تغییر و تحول ضرورت دارد و لازم است.

به کارگیری نخبگان

نخبگان در دو نظام علمی: دانشگاه و حوزه، باید همکاری کنند. بحث از تحول در علوم انسانی است و جایگاه این تحول، جایگاه واقعی آن، در نظام‌های آموزش عالی است. جریان موافق تقویت می‌شود و جریان مخالف با دلایل روشن تضعیف می‌گردد. به طور طبیعی مسیر علمی به سمت تولید علوم انسانی اسلامی پیش خواهد رفت.

از سوی دیگر، نخبگان دانشگاه و حوزه تأثیر فراوانی در دیدگاه شاگردان خود دارند و به صورت هرمی اندیشه آنان تا پایین‌ترین سطوح علمی جریان می‌یابد. این شاگردان نیز با بستر جامعه مرتبط بوده و دیدگاه اساتید خود را تبلیغ می‌کنند.

آگاه‌سازی مردم

بستر جامعه اولاً نباید با تغییر مورد نظر مخالفت کند، ثانیاً باید برای پذیرش آن آغوش باز کند و در گام بالاتر، ثالثاً اصلاً آن را مطالبه نماید. اگر مردم بفهمند مشکلات تورم و گرانی و بی‌حجابی و بسیاری از فسادهایی که می‌بینند ریشه در مدل‌ها و روش‌های علمی مورد استفاده در سطح مدیریت کلان نظام دارد؛ یعنی در علوم انسانی، قطعاً هر سه گام را با طرح پیش می‌روند. آگاه کردن مردم ابزارهای خاص خود را دارد.

بخش‌های مرتبط با طرح

هر کدام از بخش‌های نظام اسلامی باید وظیفه خود را «بداند» و به آن «اقدام» کند و نهادهای دیگری باید باشند که بر این اقدامات و تکالیف «نظارت» نمایند.

نهادهای وظیفه‌گرای جمهوری اسلامی ایران



۱. نظام آموزشی

- ۱/۱. آموزش و پرورش
- ۱/۲. آموزش عالی؛ دانشگاه‌ها
- ۱/۳. مدارس علمیه حوزوی

۲. نظام فرهنگی

- ۲/۱. صداوسیما
- ۲/۲. سازمان تبلیغات
- ۲/۳. وزارت ارشاد
- ۲/۳/۱. سینما
- ۲/۳/۲. شبکه خانگی
- ۲/۳/۳. موسیقی
- ۲/۳/۴. هنرهای تجسمی

۲/۴. دفتر تبلیغات

۲/۵. معاونت تبلیغ مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

۳. نظام پژوهشی

۴. نظام سیاسی

۵. نظام اقتصادی

۵/۱. نظام بانکی

۵/۲. بورس

۵/۳. نظام بازرگانی

۵/۴. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

۶. نظام تقنینی

۶/۱/۱. مجلس شورای اسلامی

۶/۱/۲. شورای نگهبان

۶/۱/۳. مجمع تشخیص مصلحت نظام

۷. نظام بهداشت و درمان

۷/۱. روان‌پزشکی

۷/۲. مشاوره

۸. نظام قضایی

برنامه طرح

هر کدام از بخش‌های ذکر شده برنامه عملیاتی مختصّ به خود را نیاز دارند. ولی همه این برنامه‌ها باید در قالب یک برنامه کلان مشترک به هم پیوند بخورد. سرفصل‌های این برنامه کلان در دو دسته قرار می‌گیرد.

برنامه کوتاه‌مدت - فوری

۱. **ایجاد بانک اطلاعات متمرکز تحوّل در علوم انسانی:** حجم زیادی اطلاعات تولید شده است؛ در داخل کشور، از ابتدای انقلاب تا امروز. بسیاری جلسات علمی برگزار شده، فیلم‌ها و نوارهایشان، جزوات، مقالات، کتاب‌ها، نشریات تخصّصی، این‌ها پراکنده هستند و غیرمرتبط با هم. راه‌حل‌ها در همین آسناد است. در همین موادی که وجود دارد قطعاً بسیاری از آسیب‌ها تحلیل شده و بسیاری از راه‌کارها ارائه. فوراً باید تمام این مواد یک‌جا جمع شود؛ بانک‌های اطلاعات پراکنده گرد آید. فوری یک نرم‌افزار مدیریت آسناد روی فضایی مشترک و قابل دسترس، اطلاعات تگ بخورد و برچسب و موضوع‌بندی شده، آماده برای استفاده در مسیر تحوّل. این بانک اطلاعات همچنان که داده‌های جدید تولید می‌شود تکمیل خواهد شد و توقف ندارد.

۲. شناسایی افراد و نهادهای فعال در علوم انسانی: برای شناسایی و گردآوری و درگیر کردن نخبگان جریان موافق لازم است تمامی اساتید و بزرگانی که در زمینه تحول علوم انسانی فعالیت کرده‌اند شناخته شوند. نه فقط شناسایی فرد، که اندیشه‌ها باید از آثار آن‌ها استخراج شده و طبقه‌بندی شود. نهادهای غالب و معروفی مانند آنچه در نمودار ذیل دیده می‌شود و مدیران آن‌ها:



حجة الاسلام محمدی
مرکز علوم نوین اسلامی (معنا)



آیة الله رجبی
مؤسسه آموزشی و پژوهشی
امام خمینی (ره)



آیة الله قوامی
بنیاد فقهی مدیریت اسلامی



آیة الله رشاد
پژوهشگاه فرهنگ
و اندیشه اسلامی



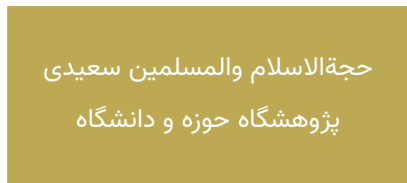
آیة الله میرباقری
دفتر فرهنگستان علوم اسلامی



مرکز تخصصی تمدن نوین اسلامی



حجة الاسلام والمسلمین سعدی
دانشگاه امام صادق (ع)



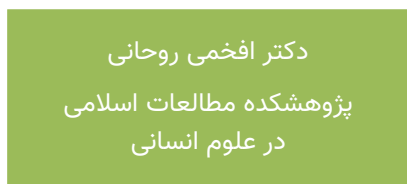
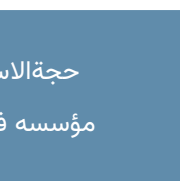
حجة الاسلام والمسلمین سعیدی
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



حجة الاسلام غلامی
مجمع عالی علوم انسانی



حجة الاسلام رهدار
مؤسسه فتوح اندیشه



دکتر افخمی روحانی
پژوهشکده مطالعات اسلامی
در علوم انسانی



دکتر رفیعی آتانی
مرکز پژوهش‌های علوم انسانی
اسلامی صدرا



حجة الاسلام والمسلمین واسطی
مؤسسه مطالعات راهبردی علوم
و معارف اسلام



نه این که عنوان انتخاب شده برای برنامه هر سال مانع اجرای آن در سال های بعد باشد. بلکه محورهای فعالیت هر سال در فهرست زیر بیان شده است. به عنوان مثال: آماده سازی روحی، روانی و ذهنی مردم، نخبگان و مسئولان در تمام طول برنامه پنج ساله پیوسته مورد توجه خواهد بود و لحظه ای ترک نمی شود. اگر به عنوان محور برنامه سال اول ذکر شده، یعنی در این سال مهم ترین عملیات، این بخش از کار است.

سال اول: آماده سازی مردم، نخبگان و مسئولان

در این مرحله البته اهداف کوتاه مدت در حال پیگیری و تحقق است؛ تولید بانک اطلاعات تحول علوم انسانی و شناسایی افراد و نهادهای فعال در این عرصه، اما در کنار آن از طریق رسانه ها، جلسات توجیهی با نخبگان و مسئولان، برگزاری همایش های عمومی، ساخت تیزرها و آگهی های آگاهی دهنده، پوسترها، بروشورها، ناهنجاری ها و نادرستی های علوم انسانی نمایش داده خواهد شد و مصداق آسیب هایی که پدید آورده اند.

در پایان این سال مردم می فهمند اگر هر سال کالاها گران تر می شوند، اسم آن را که تورم می گذارند، دلیل اصلی آن تبعیت بانک مرکزی از مدل پولی فیات یا همان پول بدون پشتوانه طلا است. قانون پولی کشور را می بینند که در ماده نخست ارزش پول را معادل طلا قرار داده و متوجه می شوند بانک مرکزی چطور بر اساس مدل های نئوکلاسیک اقتصاد سرمایه داری و به کارگیری فرمول های آن از این قانون تخلف کرده است، در تمام این سال ها.



قانون پولی و بانکی کشور

مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ (با آخرین اصلاحات تا ۱۳۹۹/۲/۱۰)

قسمت اول - پول

ماده ۱ -

الف - واحد پول ایران ریال است. ریال برابر صد دینار است.

ب - یک ریال برابر یکصد و هشت هزار و پنجاه و پنج میلیونیم (۰/۰۱۰۸۰۵۵) گرم طلای خالص است.

ج - تغییر برابری ریال نسبت به طلا به پیشنهاد بانک مرکزی ج.ا. ایران^۱ و موافقت وزیر امور اقتصادی و دارایی و تأیید هیأت وزیران و تصویب کمیسیون های دارایی مجلس شورای اسلامی^۲ میسر خواهد بود^۳.

د - برابری پول های خارجی نسبت به ریال و نرخ خرید و فروش ارز از طرف بانک مرکزی ج.ا. ایران با رعایت تعهدات کشور در مقابل صندوق بین المللی پول محاسبه و تعیین می شود^۴.

می فهمند اگر پنیر سفید ارزان تر از پنیر محلی است، حتی ارزان تر از پنیری که در خانه تولید می کنند، به دلیل آن که کارخانه ناگزیر است برای پرداخت سود سهام بانک و حداقل دستمزدی که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای کارگر تعیین کرده و پرداخت بیمه هر کارگر و در عین حال حفظ قیمتی که وزارت جهاد کشاورزی برای محصولات آن تعیین نموده، به جای استفاده از شیر خالص، مواد شیمیایی ارزان قیمتی را از خارج کشور وارد کند، نوعاً چینی، که در آب بریزد و از آن پنیر بگیرد و سبب فراگیری و رواج بیماری ها شود. حسابداری صنعتی او را وادار کرده است.

بسیاری از چالش ها و مسائل عمده و کلان کشور وقتی تحلیل شود ریشه در علوم انسانی دارند. دو مورد فوق تنها به عنوان مثال بیان شده، ولی با تجمیع بانک اطلاعات تحول علوم انسانی، طبیعتاً موارد بسیار زیادی از تحلیل های موجود و ذکر شده در ۴۵ سال گذشته به دست خواهد آمد که خوراک لازم برای اطلاع رسانی را فراهم می کند.

سال دوم: تصویب قوانین و تخصیص بودجه

در سال دوم باید قوانین مورد نیاز تصویب شود. کشوری که مردم سالاری دارد، مجلس دارد. نمایندگان باید توافق کنند و قانون تولید نمایند. پیش‌نویس این قوانین در سال اول آماده شده، ذهن‌ها هم آماده، وقت تصویب است. در قالب طرح و لایحه به صحن بیاید و فوریت بگیرد و بررسی و تصویب شود. مذاکرات فراوان لازم است و قدم به قدم باید ارتباط با تک‌تک نمایندگان و مسئولان کشور حفظ شود. خیلی نهادها قرار است تأسیس شود، هدایت شود، بودجه‌دار شود، فعالیت‌های زیادی که آئین‌نامه می‌خواهد، دولت و کابینه و وزارتخانه‌ها باید فعال شوند. این اتفاقات نیاز به دیدارهای زیاد دارد که همه از پیش برنامه‌ریزی شده باشد. دیدار نخبگان با مسئولان، مردم با مسئولان، نخبگان با مردم. حتی اگر قرار است روی جلد بسته یک پفک نوشته شود: «اگر گران‌تر از سال قبل است، چون اقتصاد سرمایه‌داری ذاتاً تورم‌زاست» نیاز به قانون و بودجه و آئین‌نامه اجرایی دارد.

دفتر قوانین در این سال بسته نمی‌شود. تا آخر این طرح، مرحله به مرحله نیاز به قوانینی پیدا خواهد شد که روند طبیعی خود را طی کرده و به تصویب خواهند رسید. غرض این‌که محور سال دوم بر تقنین استوار است.

سال سوم: عملیات گسترده در همه ابعاد

در فصول قبل هشت نظام اجتماعی معرفی شد که همگی در این طرح مورد توجه بوده و نیاز به برنامه اختصاصی دارند؛ نظام آموزشی، نظام فرهنگی، نظام پژوهشی، نظام سیاسی، نظام اقتصادی، نظام تقنینی، نظام بهداشت و درمان، نظام قضایی. در سال دوم قوانین به تصویب رسیده و آئین‌نامه‌ها ابلاغ شده است. سال سوم اختصاص به پیگیری قوی برای اجرای این برنامه‌ها در تمام ابعاد ذکر شده دارد. با نظارت‌هایی که مانع تخلف باشد.

روشن است که تا پایان دوره طرح جامع، البته که این برنامه‌ها تداوم خواهند داشت، اگر در سال سوم بیان شده، جهت بیان محور اصلی فعالیت‌های این سال است. قطعاً پس از فراگیر شدن و راه افتادن برنامه‌ها، اجرای آن‌ها در سال‌های بعد روان‌تر خواهد بود.

سال چهارم: امیدسازی با گزارش‌های آماری دقیق

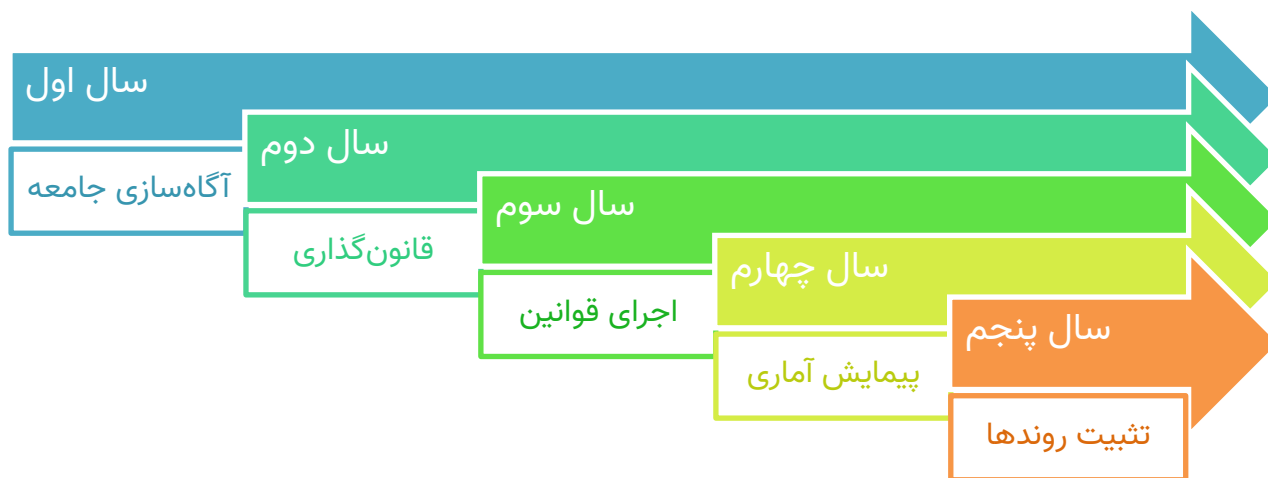
جامعه تکان می‌خورد. اوضاع تغییر می‌کند. اطمینان داریم اگر مسیر را درست طی کنیم، اگر نظریات به صورت جامع و کامل جمع شده باشد، نخبگان درگیر شده باشند و گفتمان علمی شکل گرفته، قوانین اگر مبتنی بر همین راهکارها باشد، در تمام بخش‌ها هم اجرا شود، آثار آن قابل توجه و مشهود خواهد بود.

محور فعالیت‌های سال چهارم در کنار ادامه اجرای برنامه‌های سال قبل، جمع‌آوری آمارهای گسترده و برگزاری پیمایش‌های متنوع است. ارزیابی‌هایی که نشان می‌دهد تغییرات در علوم انسانی و بالتبع در مدل‌هایی که این علوم برای اداره نظام پیشنهاد می‌دهند و دیکته می‌کنند؛ در اقتصاد، در سیاست، در خانواده و در همه چیز زندگی بشر، زندگی مردم، مثبت بوده و اتفاقات رو به پیشرفت است. آمارگیری نیاز به شاخص‌سازی دارد. شاخص‌های جدید لازم است تا اثر تحوّل علوم انسانی بازسازی‌شده را نشان دهد.

سال پنجم: تبدیل نهادهای موقت به نهادهای دائمی

آخرین سال اجرای این طرح اختصاص به «عادی‌سازی» دارد. البته که تحوّل یک مسیر «بحرانی» است و طبیعی است که همه روندها غیرطبیعی باشند. مثل انقلاب می‌ماند. شرایط اضطراری حاکم است و مدام نهادها باید پایش شوند و کنترل و ارزیابی و نظارت بالای سر همه‌شان باشد. به همین جهت است که نهادهای واسطی تأسیس می‌شوند، ستادهایی، قرارگاه‌هایی، قوانین خاصی که برای همیشه نیستند. ولی هر نهضتی باید تبدیل به نهاد شود، تا ماندگار گردد. در سال پنجم محور اصلی فعالیت‌های طرح اختصاص به طراحی ساختاری دارد که به صورت عادی نظام اجتماعی را

به سمت اصلاح پیوسته و دائمی علوم انسانی سوق دهد. هر روز ممکن است نظریات جدیدی در غرب تولید شود، مسائل و موضوعات تازه‌ای پدیدار گردد، مثل: نوآوری‌ها در هوش مصنوعی. سازمان‌ها و نهادها طوری شکل می‌گیرند که به صورت طبیعی در یک روند معمولی این آرا و نظرات تصفیه شده، تبدیل و متحول شده و سپس در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها هضم شوند؛ تجزیه و دوباره ترکیب گردند. اضافات آن‌ها هم البته دفع خواهد شد. این می‌شود ساختاری که دیگر نیاز به شرایط اضطراری برای هدایت و کنترل ندارد.



سازمان اجرای طرح

مشکلات سازمانی

هیچکدام از موارد فوق شدنی نیست. طرح هر چقدر هم که جامع باشد، قوانین هر چقدر متقن و محکم و دقیق، اجرای آن دست افرادی می‌افتد که منافع مادی آن‌ها در عدم تحقق طرح است و این یعنی «نشدن». ساختار جامعه ما بر ارزش‌های مادی بنا شده است. پول شده خط‌کش و همه‌چیز با آن سنجیده می‌شود. ارزش معلم بیشتر است یا رفتگر؟ هر کدام که دستمزد بیشتری برای او تعیین شود. ما متأسفانه «نظام عرضه و تقاضا» را پذیرفته‌ایم و باور کرده‌ایم هر چه که تقاضا برایش بیشتر باشد و عرضه آن کمتر، پس ارزشمندتر. چند دهه است که مردم عادت کرده‌اند برای دنیا «بدوند». مدیران هم همین‌طور، جدای از مردم که نیستند. نظامی که اقتصاد در آن محور شده باشد و همه چیز هم با پول سنجیده شود، حاضر نیست خلاف جهت ارزش جهانی حرکت کند. تا زمانی که مدیر ده برابر کارمند حقوق می‌گیرد و این را هم او حق خود می‌داند و هم کارمند حق او، در حالی که ساعت کار واقعی‌اش از هر کارمندی هم کمتر است، نمی‌شود. دیر می‌آید و زود می‌رود. خودروی اداری با راننده هم زیر پایش. نمی‌شود. زیرا با منافع مادی او در تعارض است اگر علوم انسانی متحول شود و از فردا علم مدیریت بیاید و بگوید: «مدیر باید از کارمند کمتر مصرف کند!» بر نمی‌تابد.

سازمان جهادی

امیرکبیر سه سال قدرت داشت، ولی در همین سه سال این کار را کرد، تحوّل عظیم در کشور. شهید رجایی هم شروع کرد، ولی ناکام ماند، به واسطه شهادت. هر دو نخستین اقدامشان «کاهش درآمد وزیران» بود. دفاع مقدّس نمایشگاهی درخشان از حضور مدیرانی‌ست که خط‌کش ارزشگذاری آن‌ها پول نبوده است. کسانی که نه تحصیلات آکادمیک در جنگ و دفاع داشتند و نه تجربه‌ای اجرایی و مدیریتی، بدون حضور در دوره‌های Dafoos و MBA ولی توانستند کارهای بزرگی انجام دهند. توزیع دستمزدها، نظام ارزشگذاری آدم‌ها، تمام نیروهای فعال در این طرح نمی‌توانند آن‌طور چیده شوند و به کار گرفته که در ادارات مرسوم مرسوم است. این شیوه انسان‌هایی تنبل تربیت می‌کند که، نه که حاضر به فداکاری نیستند که حداقل وظایف اداری خود را نیز به انجام نمی‌رسانند. مجریان این طرح، چون بنا دارند خلاف جریان علوم انسانی حرکت کنند، باید متفاوت با همه سازمان‌ها و نهادها فکر کنند و رفتار نمایند.

مسیر حرکت یک پروژه یا طرح را یا ساختار حمایت می‌کند و یا یک شخص تضمین. یکی از کارکردهای علوم انسانی تولید ساختارهای اجتماعی است. ساختارهایی که انسان‌ها در آن نفس می‌کشند و زندگی می‌کنند. ساختارهای مدیریتی، اقتصادی، آموزشی، پژوهشی و باقی آن‌ها. این ساختارها ضمانت می‌کند که اگر یک نفر رفت و نفر دیگری آمد، همچنان برنامه‌ها با همان روال سابق ادامه یابد و در همان مسیر پیش رود. می‌توان دید که مدیران شرکت‌های بزرگ اقتصادی دنیا عوض می‌شوند، ولی برنامه‌ها بدون توقف ادامه می‌یابند. زیرا متکی به فرد نیستند.

ما اگر حرکت را به ساختار واگذاریم، به دلیل جریان علوم انسانی غربی، مسیر می‌چرخد و می‌رود در همان راهی که ساختار برای آن تعریف شده است. این علوم انسانی هر سازمان و هر اداره‌ای را طوری نظم می‌دهد که روابط میان انسان‌ها به برتری دنیاطلب‌ها بر خداپرستان بیانجامد. تنها راه برای حفظ حرکت و جهت آن، تمرکز قدرت در فرد یا افراد مشخص و معتمد است. موفقیت‌های کشور در عرصه نظامی و دفاعی با همین ابزار مدیریتی محقق شده است که اگر ساختار عمل می‌کرد، مثل بسیاری نهادهای دیگر «نرمال» می‌شد و می‌افتاد در مسیر «راندمان»، راه میان‌بر: کمترین هزینه و بیشترین سود! نتیجه این است: سازش با استکبار جهانی.

نیروهای جوان و خطرپذیر

آن‌هایی که جرأت و شجاعت چنین حرکتی را داشته باشند، افرادی هستند که شخصیت آن‌ها هنوز در کوره ادارات و مدیریت‌ها پخته نشده و شکل نگرفته باشد. به نظام اداری و مدیریتی فعلی خو نگرفته و عادت نکرده باشند. این افراد زیر ۳۰ سال سن دارند، بلکه هم زیر ۲۵. تازه دانشجویان هستند و تازه طلبه‌ها. این‌ها جسارت دارند روبه‌روی نظام علمی غرب بایستند و به قوانین علوم انسانی رایج در دنیا «نه» بگویند. البته هستند اساتید بزرگ و قدرتمندی مانند دکتر درخشان که دستاورد علمی آن‌ها مخالفت با اقتصاد غربی بوده است و هنوز مقاومت خود را حفظ کرده‌اند. از این دست افراد هم قطعاً پیدا می‌شوند و بایستی در طرح مشارکت داده شوند. مدیران و تصمیم‌گیران و فعالان اصلی چنین طرح جامعی که می‌خواهد علوم انسانی غربی را به چالش بکشد و تحوّل در آن رقم بزند، نمی‌تواند هر انسانی باشد. یا رومی روم باشد و یا آن‌قدر جوان که هنوز زنگی نشده باشد، خو کرده به روندهای رایج.

گام بعد

متن حاضر پیش‌نویس طرحی است که باید جامع باشد، برای راهبری یک تحوّل بزرگ در علوم انسانی؛ حداقل هفده علم، مانند: اقتصاد، سیاست، مدیریت، تربیت، روانشناسی و... لازم است مورد مذاقّه و بررسی بیشتر قرار بگیرد و افرادی که دغدغه این تحوّل را دارند متن را بخوانند و بحث کنند. تغییرات ضروری اعمال شود و تفاهم بر سر مفاد اصلی آن حاصل. چه بسا لازم شود قرارگاهی برای این منظور اصلاً راه بیافتد، یا ستادی، یا دبیرخانه‌ای؛ نهادی که محکم پای کار بایستد و پنج سال شب و روز درگیر این پروژه باشد. اما قبل از همه، لازم است نوشته حاضر به پختگی و استحکام کافی برسد و از مرحله پیش‌نویس خارج شود. *إن شاء الله* در ظلّ عنایات حضرت صاحب الزمان (عج).

و من الله التوفیق و علیه التکلان

